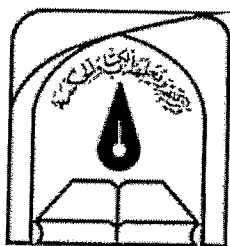


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تربیت مدرس

دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

نقد و بررسی ادبیات پایه‌اری در شعر پارسی گوین افغان

۱۳۸۲ / ۴ / ۵

نگارنده

رضا چهرقانی بزچلویی

استاد راهنما

دکتر ناصر نیکو بخت

استاد مشاور

دکتر محمد رضا سنگری

زمستان ۱۳۸۱

رئیس هیئت مدیره
موسسه فرهنگی
و آموزشی
پارس

۴۵۷۴۴

تاییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

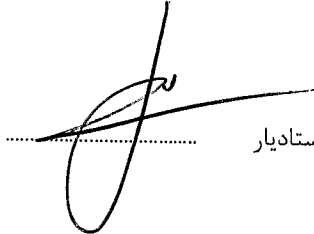
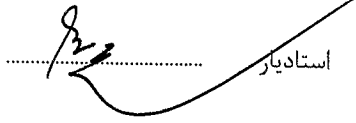
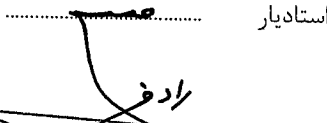

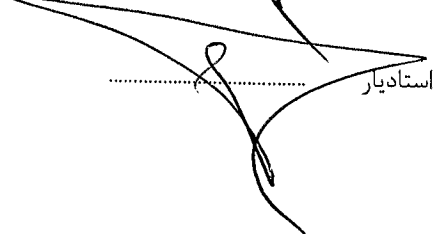
اعضای هیأت داوران نسخه نهایی پایان نامه رضا چهرقانی بزچلویی

تحت عنوان

« نقد و بررسی ادبیات پایداری در شعر پارسی گویان افغان »

را از نظر فرم و محتوا بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد

می کند .

امضا	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیأت داوران
	استادیار	آقای دکتر ناصر نیکو بخت	استاد راهنما
	استادیار	آقای دکتر محمد رضا سنگری	استاد مشاور
	استادیار	آقای دکتر ابوالقاسم رادفر	استاد ناظر
	استادیار	آقای دکتر سعید بزرگ بیگدلی	استاد ناظر
	استادیار	آقای دکتر سعید بزرگ بیگدلی	نماینده شورای تحصیلات تکمیلی

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس مبین بخشی از فعالیت های علمی - پژوهشی دانشگاه است. بنابراین این به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند.

ماده ۱. در صورت اقدام به چاپ پایان نامه خود مراتب را قبلاً به طور کتبی به مرکز نشر دانشگاه اطلاع دهید.

ماده ۲. در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کنید.

« کتاب حاضر حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده در رشته زبان و ادبیات فارسی است که در سال ۱۳۸۱ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی جناب آقای دکتر ناصر نیکوبخت و مشاوره جناب آقای دکتر محمد رضا سنگری از آن دفاع شده است. »

ماده ۳. به منظور جبران بخشی از هزینه های نشریات دانشگاه تعداد یک درصد شمارگان کتاب در هر نوبت چاپ را به مرکز نشر دانشگاه اهداء کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴. در صورت عدم رعایت ماده سه ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس تأدیه کند.

ماده ۵. دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خود داری از پرداخت بهای خسارت دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول نماید؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

ماده ۶. اینجانب رضا چهرقانی بزچلویی دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده و به آن ملتزم می شوم.

رضا چهرقانی بزچلویی

امضا

مادر مهربان

پدر بزرگوار

رنجنامه تقویم ندارد

شادمانی تقدیم به تو

تشکر و قدردانی :

خواستم مثل مقدمه بگویم «از بخت شکر دارم و از روزگار هم» دیدم بخت و روزگار آدمی را سرانگشت تدبیر همان نگارنده بزرگ می نگارد پس انصاف آن است که بگویم «الحمد لله لما وفقنی علیه» و بعد از خدای کریم نوبت به اساتید کرام می رسد که از بابت آنچه به من آموختند بنده ایشانم و به سبب آنچه نیاموختم شرمنده ایشان . غرضم استاد معزز راهنما جناب آقای دکتر نیکو بخت و استاد مکرم مشاور جناب آقای دکتر سنگری است که انگشت اشارتشان همواره سواد رسیدن را بشارت می داد وگرنه ما کجا و افغانستان کجا ؟ سپاس بعد از اینم ، از برادران و دوستان و فرهیختگان افغانستان است که اگر یکسال دوندگی ، چیزی جز حق صحبت این بزرگواران بر کوله بارم نیفزوده باشد زیان نکرده ام . جناب سید ابوطالب مظفری که بد قولی هایش را به حساب مشغله های بی حساب می گذارم . جناب سید نادر احمدی که در تهران و مشهد محضر پر فیضش را درک کردم ، جناب سید محمد ضیا قاسمی که پس از سالها دوری و مهجوری دوباره پا و چشم مرا به عالم شعر باز کرد ، جناب محمد تقی اکبری که جمله محبت آمیزش هنوز جانم را می نوازد جناب محمد کاظم کاظمی که مرا با گشاده رویی دعوت کرد ، با آغوش باز پذیرفت و در یک ساعت مصاحبه خرمی از دانش و ادب به دامنم ریخت و جناب فضل ا... قدسی که اعتراف همچو منی به تقدم فضل و فضل تقدم او نه چیزی از من کم می کند و نه چیزی بر او می افزاید و جناب محمد ابراهیم شریعتی ، مدیر نشر عرفان ، که منابعی را سخاوتمندانه در اختیارم گذاشت . و سپاس واپسینم ، از هم دوره ای های گرامی است . آقایان احمد ملاحاهی ، علی قاسم زاده ، خصوصاًحسن حدادی که اغلاط تایپی پایان نامه را مدیون دقت نظر ایشان هستم ... و دیگر دوستانی که اگر نهیب فتوتشان نبود حتماً به حکم مروت نام « عزیز» شان را حسن ختام کلام خود می کردم .

لیک می ترسم ز کشف رازشان نازنینانند و زبید نازشان

چکیده :

افغانستان به دلیل شرایط خاص جغرافیای سیاسی و انسانی ، همواره در معرض تهاجم بیگانگان و درگیریهای داخلی قرار داشته است . این جنگها و عوارض ناشی از آن موجب ظهور مضامین مقاومت در شعر این کشور شده که از جنبه های مختلف نیازمند دقت و بررسی بیشتر است .

با تحقیق در پیشینه شعر مقاومت افغانستان و تحولاتی که پس از کودتای مارکیستی ۱۳۵۷ ه.ش. در آن به وجود آمد به این نتیجه می رسیم که مضامین پایداری از دیر باز در شعر رسمی و عامیانه افغانستان حضور داشته ، اما پس از سال ۱۳۵۷ ه.ش. و آغاز انقلابی اسلامی در این کشور از نظر کمی و کیفی رشد چشمگیری پیدا کرده است . در این دوره ، مهاجرت گسترده مردم به کشور های هم جوار موجب شده که علاوه بر جریان های شعری داخل افغانستان ، دو جریان عمده نیز در ایران و پاکستان ایجاد گردد . در تحلیل جریانهای یاد شده این نتیجه حاصل می شود که شعر مهاجرت در ایران به سبب تعاملات آن با جامعه ادبی میزبان ، از نظر صورت ، محتوا ، و ویژگیهای سبکی به شدت تحت تاثیر شعر بعد از انقلاب ایران قرار دارد .

یادآوری می شود شاعران مقاومت در مضمون پردازی ، از عناصر همچون جغرافیا ، تاریخ ، اساطیر ، مذهب و ... استفاده کرده اند .

واژگان کلیدی :

نقد و بررسی ، شعر ، مقاومت / پایداری ، افغانستان

«فهرست مطالب»

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۵	فصل اول : تعاریف و کلیات
۶	۱-۱- ادب پایداری در مفهوم کلی
۱۳	۲-۱- ادب پایداری در مفهوم عام
۱۴	۳-۱- ادب پایداری در مفهوم خاص
۱۷	۴-۱- نقد مبانی التزام در اندیشه های ماتریالیستی
۲۳	فصل دوم : پیشینه شعر مقاومت در افغانستان
۲۵	۱-۲- شعر مقاومت افغانستان از آغاز تا جدایی از ایران
۲۶	۱-۱- عناصر مقاومت در شاهنامه فردوسی
۲۹	۲-۱-۲- بررسی عناصر مقاومت در شعر ناصر خسرو
۳۶	۲-۲- شعر مقاومت افغانستان پس از جدایی از ایران
۳۷	۱-۲-۲- جنبش جنگ نامه سرایی در افغانستان
۴۱	۲-۲-۲- اوضاع عمومی شعر افغانستان پس از جدایی از ایران تا دوره بیداری
۴۶	۳-۲-۲- شعر بیداری در افغانستان
۵۲	۴-۲-۲- شعر مقاومت افغانستان پس از شکست مشروطیت تا کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷

۷۷ فصل سوم : شعر مقاومت افغانستان پس از کودتای مارکسیستی.....
۷۹ ۱-۳- مسائل عمومی شعر مقاومت افغانستان پس از کودتای هفتم ثور.....
۸۲ ۲-۳- شعر مقاومت در داخل افغانستان.....
۸۶ ۳-۳- شعر مقاومت افغانستان در ایران.....
۹۱ ۱-۳-۳- مضامین شعر مقاومت افغانستان در حوزه ادبی ایران.....
۹۴ ۴-۳- شعر مقاومت افغانستان در حوزه ادبی پاکستانی.....
۱۰۲ ۵-۳- پایداری در ادبیات عامیانه (vernacular literature) افغانستان.....
۱۱۲ فصل چهارم : بررسی مضامین و درونمایه های شعر مقاومت افغانستان.....
۱۱۴ ۱-۴- ستایش آزادی و آزادگی و مبارزه با استبداد.....
۱۲۰ ۲-۴- نفی سلطه و دخالت بیگانگان.....
۱۲۴ ۳-۴- ستایش مجاهدان و ایثارگران.....
۱۲۹ ۴-۴- بیان مصائب جنگ.....
۱۳۴ ۵-۴- شرح غربت و بیان مشکلات مهاجرت.....
۱۴۲ ۶-۴- انتقاد از جنگهای داخلی و نکوهش رهبران جنگ افروز.....
۱۵۰ ۷-۴- دعوت به اتحاد و پرهیز از تفرقه.....
۱۵۴ ۸-۴- نکوهش بی تفاوتی جمعی از هموطنان.....
۱۶۰ ۹-۴- ستایش شهیدان.....
۱۶۸ ۱۰-۴- هشدار و گلایه نسبت به فراموش شدن شهیدان و آرمانهای مقاومت.....

۱۷۳ فصل پنجم: بررسی عناصر تأثیر گذار در مضامین شعر مقاومت افغانستان
۱۷۵ ۱-۵- جغرافیا.....
۱۸۰ ۲-۵- تاریخ.....
۱۸۶ ۳-۵- عناصر حماسی و اسطوره ای.....
۱۹۱ ۴-۵- تأثیر عناصر دینی و مذهبی.....
۱۹۹ ۱-۴-۵- اشارات دینی در شعر شیعه و اهل سنت.....
۲۰۴ ۵-۵- کاربرد فرهنگ و عقاید عامه در شعر مقاومت افغانستان.....
۲۰۷ ۶-۵- کاربرد امثال سایر در شعر مقاومت افغانستان.....
۲۱۱ فصل ششم.....
۲۱۲ ۱-۶- تأثیر متقابل شعر مقاومت ایران و افغانستان.....
۲۲۶ ۲-۶- بررسی عناصر زیبا شناسی در شعر مقاومت افغانستان.....
۲۲۷ ۱-۲-۶- زبان.....
۲۳۴ ۲-۲-۶- موسیقی.....
۲۴۳ ۳-۲-۶- تصویر سازی ، شگردها و دگرگونیهای آن.....
۲۵۰ ۳-۶- خلاصه و نتیجه گیری.....
۲۵۵ فهرست منابع و مآخذ.....
۲۶۶ واژه نامه.....
۲۶۷ چکیده انگلیسی.....

«مقدمه»

«از بخت شکر دارم و از روزگار هم» ورود به عرصه شعر افغانستان ، ورود به سرزمینی ناشناخته بود ، سرزمینی مملو از عجایب نادیده و غرایب ناشنیده ، نامهای تازه و نشانهای جدید ، نام و نشانهایی که در عین غرابت آشنا می نمودند و در اوج دوری ، نزدیک ، همچون قیافه برادری که دست جفاکار روزگار او را از ما دور کرده باشد و اینک ، پس از سالها که او را می بینیم ، لحظه ای درنگ می کنیم ، در خطوط چهره اش دقیق می شویم ، در نگاهش غمها و شادیهها و آنچه در این سالهای دوری بر سر او رفته می خوانیم ، خاطرات گذشته اندک اندک در ضمیرمان جان می گیرند و ناگهان او را بجا می آوریم و ...

البته این فرجام خوش در آغاز ابداً قابل پیش بینی نبود . آنچه من از شعر افغانستان می دانستم یک نام بود و یک شعر، کاظمی و بازگشت ، با عنایت به این مایه از بی خبری ، ورود به قلمرو شعر افغانستان نه بر پایه منطق عقلانی که بر اساس جذبه ای روحانی صورت می گرفت . به هر حال «کولبار زاد ره بر دوش» و «چوبدست خیزران در مشت» « در آن مه گون فضای خلوت افسانه ای » به راه افتادیم . خوشبختانه با عبور از کوه و کتل های غفلت و بی خبری ، مه غلیظ ابهام هم کم رنگ باخت و فضا روشن و روشن تر شد و اینک ارمغان این سفر روحانی از «جهل مطلق» تا «آگاهی نسبی» رساله ای است که پیش روی شماست . رساله ای که شاید نگارنده آن بیش از خوانندگان احتمالی بر کاستی هایش واقف باشد . اما چه می توان کرد؟

«و ماکل ما یتمنی المرء یدرکه تجری الریاح بما لاتشتهی السفن» «متنبی»

گرفتاری های خرد و کلان زندگی امروز ، فقدان منابع ، گستردگی موضوع در عین کمی فرصت و دهها عامل بازدارنده دیگر دست به دست هم دادند تا رساله ، آنگونه که خود می خواستم و می پسندیدم به سامان نرسد . هر چند ، در همین رساله ناقص و ناتمام هم میدان پژوهش بسیار فراختر از سوالات و فرضیه های آغازین ماست .

پرسشهای طرح پیشنهادی ، در فصلهای چهار و پنج و شش به پاسخهای درخور رسیده اند و اثبات فرضیه ها نیز در فرایند پاسخگویی به پرسشها صورت گرفته است . بنابراین ، در این پژوهش نه پرسشی بی پاسخ مانده و نه فرضیه ای ثابت نشده . با این حال همه چیز در حد وسع و کفایت برگزار شده است . در حد اقتضائات و مقدورات دوره کارشناسی ارشد با محدودیتهایی که خود بهتر می دانید . اما روش ، روش کار بر حسب ظاهر کتابخانه ای و نظری بوده است ولی حقیقت آن است که ملاقاتها ، مصاحبه ها و مکاتباتی که با شاعران دور و نزدیک افغانستان داشتم اطلاعات اولیه و مقدمات این تحقیق کتابخانه ای را فراهم کرد . تجزیه و تحلیل اطلاعات گرد آوری شده نیز بر اساس روش «طولی - عمقی» - آکرونیک و دیاکرونیک - صورت گرفته است . یعنی موضوع «شعر پایداری افغانستان» را ، هم در طول تاریخ مورد بررسی قرار داده ایم و هم در زمان حال اما در مناطق و حوزه های ادبی مختلف ، علاوه بر این در بررسی ها نیم نگاهی هم به ادبیات عرب ، ایران و گاه یونان باستان داشته ایم . البته ناگفته نماند توجهی که در تمام مراحل کار به شعر ایران وجود داشته گاهی سخن را به سمت مقایسه و احیاناً ارزشگذاری سوق داده است . با وجود این در تمام داوری ها شرط انصاف رعایت شده و قضاوتها نه بر اساس تعصب و احساسات بلکه با توجه به شواهد و قرائن صورت گرفته است .

در تبویب مطالب نیز ، فربهی و لاغری فصلها ، معلول قبض و بسط ذاتی موضوع بحث بوده است . مثلاً در فصل دوم موضوع بحث «پیشینه شعر مقاومت افغانستان است» که حدوداً ده قرن را شامل می شود (آغاز شعر پارسی تا ۱۳۵۷ ه . ش.) اما در فصل سوم موضوع ، «بررسی شعر

مقاومت افغانستان پس از کودتای مارکسیستی» است. که از سال ۱۳۵۷ ه. ش. الی یومنا هذا - دو دهه و نیم - را در بر می گیرد بنابراین طبیعی است که حجم فصل دوم بیشتر از فصل سوم باشد. با همه این اوصاف، اصل اختصار و اجمال را هیچگاه فراموش نکرده ام و در عین حال کوشیده ام مطلب مهمی از قلم نیفتد.

در فصل اول از بیان مطالب تکراری - که در پایان نامه ها معمول است - پرهیز شده است و به جای آن، اصل مسئله پایداری در ادبیات از زوایای گوناگون مورد مطالعه و دقت قرار گرفته است. در بخش پایانی این فصل، نظریه ادبیات متعهد در نظام اندیشگانی ماتریالیستی مورد نقد قرار گرفته است. دلیل پرداختن به مسئله فوق آن بود که در مراجعه به پایان نامه ها به این نکته برخوردیم که دانشجویان بدون توجه به بنیانهای ماتریالیستی اندیشه های سارتر و هم فکران او از آراء آنها در تعریف تعهد و پایداری در ادبیات استفاده کرده و حتی ادبیات دفاع مقدس را هم با توجه به این نظریات تحلیل نموده اند در صورتی که مبانی پایداری در ادبیات ما با آنچه که ماتریالیستها می گویند تفاوت ماهوی دارد و افزون بر آن مقوله تعهد، با انگاره های مادی گرایانه اساساً قابل توجیه نیست.

در بیان ضرورت این پژوهش، فقط سخن استاد بدیع الزمان فروزانفر را نقل می کنم:

«چنان فرهنگ این دو کشور به هم نزدیک است که هر گامی که ما برای روشن گردانیدن تاریخ علمی ایران بر می داریم در تاریخ علمی افغانستان موثر است و هر کاری که آنها در این رشته می نمایند تاثیر فراوان در تاریخ علمی و ادبی کشور ما دارد.»^۱

«پرسشهای اصلی تحقیق»

۱- مضامین ادب پایداری در اشعار شاعران افغان چه موضوعاتی را در بر می گیرد؟

۱- خلیل... خلیلی، دیوان، با مقدمه دکتر محمد سرور مولایی، چ اول، تهران، عرفان، ۱۳۷۸، ص ۴۹۲.

۲- تأثیر عناصر حماسی - اسطوره ای و آموزه های اسلامی در شکل گیری مضامین مقاومت در

شعر افغانستان تا چه حد است؟

۳- شاعران ایران و افغانستان تا چه حد و در چه زمینه هایی از یکدیگر متأثر بودند؟

۴- سبک، زبان و عناصر زیبایی شناسی این اشعار را چگونه می توان تحلیل کرد؟

«فرضیه ها»

۱- مضامینی نظیر مبارزه با استبداد، نقی سلطه بیگانگان، ستایش آزادی، دعوت به مبارزه،

دعوت به اتحاد، ستایش رزمندگان، در شعر پارسی گویان افغان تأثیر مستقیم داشته است.

۲- حماسه های ملی و مضامین اسطوره ای در اشعار این شاعران تأثیر داشته است و شاعران

مسلمان به صورت خود آگاه و ناخود آگاه، از آموزه های دینی اسلام متأثر شده اند.

۳- شاعران ایران و افغانستان به دلیل اشتراکات فراوان فرهنگی و مذهبی و همچنین مهاجرت

شاعران افغانی به ایران همواره تعاملاتی با هم داشته اند.

۴- شعر شاعران افغان از جهت ویژگی های زبانی و عناصر زیبا شناختی آن قابل بررسی است.

در پایان امید می برم، رنجی که در تدوین این رساله متحمل شدم تأثیری هر چند ناچیز، در

تحکیم روابط دوستانه دو ملت شریف و غیور ایران و افغانستان داشته باشد و سهو القلم های

قطعی آن به دیده اغماض نگریسته شود و آخر دعوانا عجل اللهم فی فرج مولانا صاحب الزمان.

رضا چهرقانی بزچلویی

زمستان ۱۳۸۱ - دانشگاه تربیت مدرس

فصل اول
تعاریف و کلیات